

تحلیلی بر سیاست‌گذاری حزبی کارگزاران سازندگی در انتخابات دهم ریاست جمهوری

دکتر صادق زیباکلام* / محمدرضا عبدالله پور**

چکیده

سیاست‌گذاری حزبی یکی از مباحث مهم و عمده سیاست‌گذاری عمومی است که متأسفانه در مباحث عمده خط‌مشی‌گذاری حزبی، از نگاه‌ها مغفول مانده است. فقر این مسأله، احزاب کشور را با چالش‌هایی مواجه نموده که آگاهی به آن می‌تواند افقی روشن را پیش‌روی احزاب در تصمیم‌سازی و خط‌مشی‌گذاری‌های خود قرار دهد. باید عنوان نمود آسیب‌هایی در کارکرد احزاب وجود داشته که به‌صورت یک آسیب لاعلاج و مزمن درآمده است که این آسیب باعث ناکارآمدی تاریخی این پدیده در حیات حزبی احزاب کشور گردیده و تا هم‌اکنون نیز درمان نشده است. مقاله پیش‌رو با نگاهی عمیق و سیاست‌گذارانه، نه تنها به آسیب‌شناسی یکی از عمده احزاب کشور به‌نام کارگزاران سازندگی می‌پردازد بلکه با نگاهی کاربردی به مقوله سیاست‌گذاری حزبی، احزاب کشور را به‌سوی یک سیاست‌گذاری منسجم و منطقی می‌کشاند.

کلید واژه‌ها

سیاست‌گذاری، حزب سیاسی، کارگزاران سازندگی، شاه و تاج‌بخش، سیاست‌گذاری حزبی، انتخابات ریاست جمهوری.

info@zibakalam.com
rezaperow@yahoo.com

* عضو هیأت علمی و استاد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران
** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه

به‌طور کلی در تمام دنیا هدف احزاب سیاسی رسیدن به قدرت می‌باشد که بدیهی‌ترین کار ویژه یک حزب سیاسی می‌باشد، گرچه تمامی احزاب با این فراز استراتژیک که منافع ملی بالاتر از منافع حزبی است پا به عرصه فعالیت می‌گذارند. از این منظر نبود و عدم سیاست‌گذاری احزاب منسجم با نگاه به مباحث سیاست‌گذاری حزبی، موقعیت گروه‌های هم‌سود و عوام‌گرا را تقویت می‌نماید که فضای زیادی را برای بازی این گروه‌های عوام‌گرا باز می‌نماید و در نتیجه نظام حزبی، بازنده اصلی این فرایند است. اگرچه مطالعه حزب و تحزب در ایران معاصر آینه کامل و شفاف از جریان‌های سیاسی ارائه نمی‌دهد، فصل مهمی از جریان‌شناسی سیاسی را در بردارد. علاوه بر این که بسیاری از جریانات سیاسی و فکری ایران معاصر در قالب احزاب بروز پیدا کرده‌اند، این مطالعه سبب شناخت بهتر سایر جریانات سیاسی غیرحزبی در قالب گروه‌های هم‌سود نیز می‌شوند. هر چند در کشوری چون ایران، مقوله‌های مدرنی مانند حزب بدون بستر اجتماعی و زمینه‌های فکری و فرهنگی لازم بوده و در تضاد با زیرساخت‌های سنتی جامعه دچار هزار گونه کم و کاستی شده است، سیر تحزب در ایران را در مجموع نمی‌توان کاملاً منفی دانست؛ به‌گونه‌ای که در دوره‌هایی از تاریخ این کشور حزب‌گرایی و فعالیت حزبی به‌شدت جامعه را فراگرفته است. با این حال گویی همواره آسیب‌هایی در کارکرد احزاب وجود داشته و حتی به‌صورت بیماری مزمن در آمده است که سبب ناکارآمدی تاریخی این پدیده در یکصد سال اخیر گشته و تا هم‌اکنون نیز درمان نشده است. به‌دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، جریان‌های سیاسی متعدد و متفاوتی در کشور ما ظهور یافته‌اند و از آنجا که یکی از ابزارهای مهم ابراز وجود این جریان‌ها، تشکیل و تأسیس احزاب بوده است، بر مبنای تبیین جریان‌شناسی احزاب و تحزب می‌توان تا حدود زیادی جریان‌ها و جناح‌های سیاسی را شناخت و آن‌ها را تحلیل نمود.

تحقیق پیش‌رو در تلاش است تا ضمن معرفی یکی از سازمان‌یافته‌ترین احزاب ایران علاوه بر تاریخ مختصری از فعالیت حزبی آن از پیدایش تا سیاست‌گذاری‌های این حزب در انتخابات ریاست جمهوری دهم به بررسی رفتار حزبی این حزب بپردازد. از این منظر این مقاله دست به یک آسیب‌شناسی حزبی می‌زند که می‌تواند راه‌گشاه مناسبی در سیاست‌گذاری‌های حزبی احزاب در ایران باشد.

گفتار اول: حزب و سیاست‌گذاری حزبی

به‌طور کلی می‌توان چهار ویژگی سازمان، ایدئولوژی، قانونی بودن و مبارزه برای کسب قدرت را عامل تشخیص حزب از غیر آن دانست، اما باید اذعان نمود که این چرخه و فرایند سیاسی و پیدایش و تکوین احزاب سیاسی در ایران معاصر، پیش از انقلاب اسلامی، سرنوشتی غم‌انگیز داشته است؛ زیرا هیچ‌گاه احزاب و تشکلهای سیاسی از فضای آزادی برای تکامل سازمانی و فکری در هیچ برهه‌ای بهره‌مند نبوده‌اند. بر خلاف دنیای غرب و ممالک دموکراتیک جهان، که احزاب سیاسی - در پی تکامل و توسعه نظام‌های پارلمانی - از درون مجلس نمایندگان برخاسته و پا به عرصه رقابت‌ها و کشمکش‌های سیاسی بر سر تصاحب قدرت نهاده‌اند، در ایران تحزب فرایندی معکوس داشته است؛ چه احزاب سیاسی تقریباً هم‌زمان با پیروزی انقلاب مشروطه و به‌طور مشخص در مجلس دوم سر بر آوردند و نارسایی‌های فکری و سازمانی، بدون تشکیلات کارآمد و مساعد نبودن فضای فرهنگی - اجتماعی جامعه و بستر سیاسی، سرانجام احزاب و تشکلهای سیاسی را به جریان‌های زودگذر و ناپایدار تبدیل کرد (اخوان‌کازمی، ۱۳۸۷: ۳۴-۴۲). در خصوص بحث تحزب به‌عنوان بهترین بستر برای بسط رقابت‌های سیاسی، چند دیدگاه مطرح است که می‌تواند در خصوص سیاست‌گذاری حزبی مناسب و یاری‌دهنده این بحث باشد. نخست: اندیشمندانی که معتقدند که پیچیدگی زندگی سیاسی در جوامع مردن، باعث گردیده که افراد به‌صورت مستقیم و تنها نتوانند وارد بازی و مشارکت سیاسی برای مطالبات خود گردند، لذا وجود نهادهای فراشخصی کاملاً ضروری است. نای و وربا در: مشارکت سیاسی و مساوات سیاسی نشان می‌دهند که عصر فردگرایی در عرصه رقابت‌های سیاسی به سر آمده و ضرورت نهادسازی کاملاً حس می‌گردد (Verba & Nie, 1987). دوم: اندیشمندانی که تحزب برای آنها اصالت دارد و بر این گمان‌اند که رقابت سیاسی و بسط مشارکت بدون تاسیس چنین نهادهایی اساساً ممکن نیست. در این میان واینر و لاپالومبارا، آن را مبنای توسعه سیاسی قلمداد می‌کنند (Lapalambara & Weiner, 1965). گروه دیگر مانند دوتوکویل و میخلز قایل به شرارت ذاتی حزب هستند، اما حیات سیاسی را بدون آن ممکن نمی‌بینند، لذا به‌عنوان شر ضروری آن را می‌پذیرند (دوتوکویل، 1383: ۳۶۵-۳۶۰). به باور میخلز رهبران احزاب به‌منظور حفظ موقعیت سیاسی خود، منافع و نفوذ خود را توسعه و اقدام به تاسیس یک حلقه الیگارش می‌نمایند (نش و اسکات، ۱۳۸۸: ۲۳۰).

نتیجه‌ای که از نگاه‌های ذکر شده در بالا می‌توان گرفت بیانگر این مطلب است که تحزب به مثابه شمشیری دو لبه، حتی در جوامع غربی قابل تحلیل و ژانوس گونه عمل می‌نماید، از سوئی باعث نهادینه گردیدن فرهنگ سیاسی به‌عنوان وجه مثبت خود می‌باشد و از سوئی با بوراکتیزه شدن در دنیای فاسد حزبی (بشیریه، ۱۳۸۰: ۲۰۸) باعث انفعال و بدبینی سیاسی مردم نسبت به کلیت نظام سیاسی می‌گردد. البته، این واقعیت که تحزب نتوانسته است با مبانی فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی سازگار گردد، علل متفاوتی می‌تواند داشته باشد که در افراطی‌ترین رویکرد به تعلق خاطر فرهنگی جامعه ایرانی به فرهنگ استبداد شرقی از آن یاد شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۶۳). در نگاهی دیگر حجاریان معتقد است که احزاب را به دو دسته نخبه‌گرا و توده‌گرا می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. که احزاب نخبه‌گرا از انسان‌های حرفه‌ای ولی بدون پایگاه مردمی تشکیل شده است (حجاریان، ۱۳۸۵: ۳۰). او همچنین معتقد است که احزاب در ایران علی‌القاعده نباید نخبه‌گرا باشند بلکه احزاب ایرانی برای آن که مؤثر باشند باید نقش‌های اجتماعی را نیز به عهده گیرند (همان، ۳۰). موردی که حجاریان اشاره می‌کند به درستی در ساختار حزبی کارگزاران ملموس و مشهود است چرا که علاوه بر ساختار الیگارشیک این حزب، جغرافیای هیأت مؤسس آن نیز از استان‌های کرمان و اصفهان بود (اخوان‌کاظمی، ۱۳۸۷: ۴۲-۳۴)، که یک ساختار متصلب را از نقطه‌نظر قومیتی به ذهن متبادر می‌ساخت.

با توجه به کارکرد آموزشی احزاب که در ارتقاء شعور سیاسی مردم مؤثر می‌باشد از یک‌سو در بالا بردن میزان مشارکت سیاسی مردمی و از بین بردن پدیده بی‌تفاوتی اجتماعی و سیاسی که معمولاً جنبش‌های توده‌ای و انفجارهای سیاسی از پیامدهای آن می‌باشد (بشیریه، ۱۳۷۱: ۲۶) و از سوی دیگر افراد جامعه را در پروسه‌گذار از مفهوم سیاست‌زدگی که طی آن نخبگان توانایی بسیج نیروها را در راستای منافع و مصالح خود دارند به مفهوم سیاسی شدن که به این وسیله مردم به‌عنوان تصمیم‌گیرنده و عامل و نه به‌صورت ملعبه دست نخبگان در بطن نظام ایفای نقش می‌کند، کمک می‌نماید. عضوگیری احزاب از میان توده و نفوذ به عمق لایه‌های اجتماعی و همچنین ایجاد امکانات مربوط به آموزش‌های سیاسی و ایدئولوژیک و حزبی و تسهیل فراگرد جامعه‌پذیری سیاسی، که طبعاً در ارتقاء سطح کیفی آموزش و درگیر ساختن افراد به فعالیت‌های حزبی و بالا بردن میزان مشارکت سیاسی مؤثر است، از کارکردهای مهم یک حزب سیاسی می‌باشد (قوام، ۱۳۷۵: ۷۳). به این ترتیب احزاب سیاسی می‌کوشند منافع متعارض را

هم‌سو و آن‌ها را تبدیل به سیاست‌نمایند (قوام، ۱۳۷۲: ۲۳۰).

گفتار دوم: تبارشناسی حزب کارگزاران سازندگی

از اوایل دهه هفتاد طبقه سیاسی اقتصادی جدید و نوظهوری در بلوک قدرت ظاهر شد که خصلتی سرمایه‌دارانه، تکنوکراتیک و بوروکراتیک داشت و سیاست و حکومت در ایران را به ایجاد نوعی الیگارشی تمایل داد. این گرایش که به جریان کارگزاران سازندگی موسوم شد عهده‌دار برنامه تعدیل ساختاری گردید و بیش‌تر دستگاه اجرایی و بروکراسی دولتی را تحت کنترل خویش قرار داد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۹۵). غافل از آن‌که سیاست‌های انبساطی ماهیتاً سیاست‌های تورم‌زا هستند و در صورتی به موفقیت دست خواهند یافت که تورم از سطحی نازل برخوردار باشد (سیاحتی، ۱۳۷۴: ۴۹). کارگزاران سازندگی در بیانیه اولیه خود مواضع خویش را در خصوص ضرورت توجه به توسعه اقتصادی، تخصص‌گرایی و جذب نیروهای وفادار به انقلاب به‌منظور جلوگیری از انحصار قدرت در دست گروه‌های محافظه‌کار اعلام کردند (بشیریه، ۱۳۸۵: ۱۷۰). راست‌مدرن در عرصه فرهنگ، چندان پای‌بند به سنت‌ها نبود و دل در گرو مدرنیسم داشت. این گروه به‌شدت از توسعه، به‌ویژه توسعه اقتصادی، طرفداری کرده و آن را پیش‌شرط سایر امور نوسازی قلمداد می‌کرد؛ گرچه معتقد بود که فضای باز اقتصادی نیاز به فضای باز فرهنگی و سیاسی دارد. آزادی مردم را نیز تا حدی می‌خواست که به توسعه لطمه نزند. این گروه به تساهل و تسامح بیش‌تری نسبت به جناح چپ سنتی و راست سنتی معتقد است «(ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸). روزنامه عصر ما- ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی- اصول استراتژی فرهنگی گروه کارگزاران سازندگی را چنین توصیف نموده است: «۱- استقبال از مدرنیسم؛ ۲- عدم حساسیت نسبت به کم‌رنگ شدن سنت‌ها و مظاهر اجتماعی، دینی در جامعه؛ ۳- کاهش تدریجی نقش دین در جامعه (نه ضد‌دین یا غیردینی کردن) و به تعبیری عرفی کردن امور دین؛ ۴- ایجاد فرهنگی لیبرالیستی با مناسبات مبتنی بر تساهل و تسامح و آزادی (عصر ما، ۱۳۷۳: ۱۹ بهمن).

تعبیه‌سازی و کارهای کورپوراتیستی، جهت کنترل طبقات پایین و محروم جامعه از دیگر سیاست‌گذاری‌های کارگزاران در این مقطع بود (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۹۵). این طبقه مسلط تجاری با بهره‌گیری از کنترل خویش بر شبکه توزیع و در دست داشتن بخش قابل‌توجهی از نقدینگی در پرتو تعدیل ساختاری وارد عرصه‌های جدیدی از فعالیت‌های اقتصادی و به‌خصوص

تجارت خارجی شد که به پیدایی ساخت قدرتی الیگار شیک و ظهور دولت بروکراتیک منجر شد (همان). از سوی دیگر سیاست خصوصی‌سازی که از سیاست‌های کلان کارگزاران بود رابطه میان دولت و طبقات بالای اقتصادی را هرچه بیش‌تر تقویت نمود (بشیریه، ۱۳۸۵: ۱۳۳) که باعث تقویت کورپوراتیسم گردید. آن‌ها با پذیرش رفاه به‌عنوان یک ارزش از بسیاری از مفاهیم ارزشی قداست‌زدایی کردند (همان، ۱۲۹). به‌طوری‌که دست به تغییر گفتمانی واژگانی مانند مستضعفان و جایگزینی آن با واژه قشر آسیب‌پذیر کردند (دارابی، ۱۳۸۸: ۳۴۶-۳۴۰). این گرایش که براساس الیگارشوی مالی و سیاسی ایجاد شد نیازمند یک نوع تکنوکراسی ارزش‌گرا بود.

کارگزاران با تکیه بر مدیران تکنوکرات؛ فن‌سالاران و بورروازی دولتی وارد عرصه‌های مختلف کشور گردیدند (موثقی، ۱۳۸۵: ۲۸۳). به گفته فرامرز رفیع‌پور فقر، تورم، رشوه‌خواری و اختلاس، انحرافات و آشفتگی اجتماعی، دلسردی و بی‌اعتمادی از پیامدهای سیاست‌های کارگزاران بود (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۱۶۹). دولت الکترونیکی که از افتخارات کارگزاران بود نیاز به تخصص‌های فنی را افزایش داد و از آنجا که بر این تخصص‌ها صرفاً تعدادی از دیوان‌سالاران تسلط داشتند دایره انتخاب توسط مردم محدودتر شد. مبنای مشروعیت تکنوکرات‌های کارگزارانی صرفاً بر رفاه سطحی استوار بود و نه دموکراسی، بنابراین مشارکت عمومی که یکی از عناصر اصلی دموکراسی است به بوته ابهام رفت. تکنوکراسی آن‌ها که روز به روز در قامت دیوان‌سالاری دولتی ظاهر می‌شد بیش از پیش راه اعمال نظر شهروندان را مشکل می‌کرد (اشتریان، ۱۳۸۶: ۱۴۰) گرایش به تحزب به دلیل عدم نهادینه شدن، بیش از پیش به انتخاب بهتر کمک نکرد، برعکس به دلیل محدود کردن، مردم را منزوی ساخت (روزنامه رسالت، ۱۳۷۴/۱۰/۱۶). فقر و شکاف طبقاتی، گسترش فساد اداری و مالی، فاصله روزافزون حاکمان با مردم از دیگر تبعات سیاست‌گذاری‌های نامطلوب کارگزاران بود. آن‌ها که رسماً از انتخابات مجلس پنجم پا به عرصه سیاست حزبی گذاشتند در انتخابات هفتم ریاست جمهوری با ائتلاف با گروه‌های اصلاح‌طلب از ریاست جمهوری خاتمی دفاع کردند، به‌طوری‌که اعلام شد دوم خرداد تداوم کارگزاران است. اما بعد از چالش‌های فراوان با جبهه دوم خرداد به‌خصوص بیرق‌دار آن‌ها یعنی حزب مشارکت، شکاف‌هایی بین آن‌ها پدید آمد. نیروهای اصلاح‌طلب به‌خصوص سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و مشارکت، بخش عمده‌ای از نیروهای کارگزاران را که منتظر مناصبی در دولت به‌واسطه پشتیبانی خود از خاتمی بودند را نادیده گرفتند و حتی

رهبر معنوی آن‌ها را نیز مورد نقدهای بی‌شمار قرار دادند به طوری که محمد هاشمی اعلام کرد که حزب مشارکت که امروز خود را محور اصلی جبهه دوم خرداد می‌داند، رفتاری قییم‌مابانه و غیردموکراتیک دارد (ایران سیاسی، ۶ / ۳ / ۱۳۸۱: شماره ۲۱۳۶). در واکنش به سخنان محمد هاشمی نیز اعلام گردید که اصلاح‌طلبان نباید بیش از این اجازه دهند حضور مشکوک و مبهم کارگزاران در مراکز حساس اقتصاد و صنعت کشور ادامه یابد (روزنامه مردم‌سالاری، ۴ / ۳ / ۸۱). اصلاح‌طلبان به‌ویژه جبهه مشارکت ایران اسلامی پس از پیروزی‌های مختلف در انتخابات نتوانستند راهبرد مشخصی برای اصلاحات اقتصادی مطرح کنند و به همین دلیل مجبور بودند نسخه اقتصادی کارگزاران سازندگی را برای اقتصاد کشور تجویز کنند. (ایران سیاسی، ۳۰ / ۲ / ۱۳۸۱: شماره ۲۱۲۹). به عبارتی دیگر کارگزاران سازندگی توانست هژمونی اقتصادی خود را بر مشارکت تحمیل نماید. به‌طور کلی حزب کارگزاران سازندگی متمایز از دیگر احزاب سیاسی ایران بود چرا که به‌دست اعضای کابینه و نزدیکان آقای هاشمی‌رفسنجانی ایجاد شد. اولین ویژگی بارز این گونه حزب، بهره‌گیری از قدرت در زمان تأسیس است؛ یعنی این احزاب را عمدتاً افرادی به‌وجود آورده‌اند که در مصدر قدرت سیاسی بودند و اقدام به تأسیس آن‌ها بر مبنای اتکای ایشان به قدرت بوده است. به همین جهت به آنها «احزاب دولت‌ساخته» می‌گویند. دومین ویژگی مهم این احزاب حرکت پاندولی آن‌هاست؛ زیرا به دلیل نبود پایگاه اجتماعی عمیق، به این امر واقفند که تا زمانی که در قدرت هستند، در سطح جامعه هم طرفدارانی دارند و از همین‌رو متناسب با فضای سیاسی- اجتماعی جامعه، خواست‌های خود را تغییر می‌دهند و عمدتاً به رویکردی عمل‌گرایانه (پراگماتیستی) و فرصت‌طلبانه (اپورتونیستی) روی می‌آورند تا همواره در قدرت بمانند (دلوائی، ۱۳۸۰: ۵).

گفتار سوم: انتخابات دهم ریاست جمهوری، سیاست‌گذاری‌های حزبی کارگزاران

بعد از انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری و پیروزی احمدی‌نژاد بر رقبای انتخاباتی‌اش، حزب کارگزاران به‌علت رفتارهای به‌شدت پوزیتیویستی خود دچار ضعف در تاکتیک و فقر در استراتژی جهت ارائه راهکارهای مفید شد، شاید بتوان گفت در تاریخ احزاب، احزابی برقرار مانده‌اند که در برابر چالش‌های بزرگ پاسخ مناسبی ابراز کردند. شکاف در صفوف کارگزاران و حمایت عده‌ای از کروب‌ی و عده‌ای از موسوی در انتخابات دهم بیانگر مطلب بالا است. غلام‌حسین کرباسچی که به‌عنوان دبیر کل حزب کارگزاران فعالیت می‌کرد به‌عنوان رئیس ستاد

کروبی انتخاب شد و این در حالی بود که حزب کارگزاران از کاندیداتوری موسوی حمایت می‌کرد که این موضوع باعث تشنج در کارگزاران و پیچیده شدن اوضاع این حزب گردید. به طوری که در گردهمایی حزب کارگزاران در آذر ۱۳۸۷، علاوه بر سران حزب، خاتمی و کروبی نیز حضور یافتند (ایران، ۱۳۸۷/۹/۱۶) در ادامه تناقضات در تصمیم‌سازی کارگزاران، حسین مرعشی، سخنگوی کارگزاران گفت در کنار تصمیم‌گیری آقای خاتمی، آقایان موسوی و کروبی و سایر دوستان، افرادی هستند که آمادگی کاندیداتوری در انتخابات هستند (آفتاب یزد، ۱۳۸۷/۸/۲۲). مرعشی همچنین از کاندیداتوری محسن رضایی که مواضعش به کارگزاران نزدیک بود استقبال نمود (کیهان، ۱۳۸۸/۲/۳۱) و این در حالی بود که رضایی، علت حضور خود را در انتخابات، ناتوانی کروبی و موسوی دانست (همان، ۱۳۸۸/۲/۲۲) در روایتی دیگر و در حالی که کارگزاران سازندگی با صدور بیانیه رسمی از میرحسین موسوی حمایت کرد (خبرگزاری فارس، ۸۸/۲/۲۰) محمد عطریانفر عضو ارشد حزب کارگزاران در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد اگر خاتمی نیاید؛ حزب کارگزاران به احتمال قوی از نامزدی مهدی کروبی دبیر کل حزب اعتماد ملی حمایت می‌کند (خبرگزاری مهر، ۸۸/۲/۲۵). در این بازه زمانی، کارگزاران و رهبران آن، مایل به حیات چندزیستی بودند و همین امر، سامان رفتار سیاسی آن‌ها را مشکل نمود. از این عدم سیاست‌گذاری صحیح حزبی می‌توان به «چندزیستی سیاسی» نام برد که خروجی آن تشنج و درگیری است. به طور کلی احزاب و گروه‌هایی که از این ویژگی برخوردارند به سادگی بین‌الگوی «حزبی»، «پوزسیون» و جناح، تغییر موضع می‌دهند و همین سیالیت حزبی - سیاسی منجر می‌شود تا قواعد بازی سیاسی تغییر کرده و سامان آن دست‌خوش دگرگونی گردد. همین مسأله یک‌بار دیگر و در انتخابات مجلس پنجم صورت گرفت که کارگزاران در چرخشی سیاسی به جناح چپ متمایل گردید (موثقی، ۱۳۸۵: ۲۹۲).

صادق زیباکلام ضمن اشاره به آفات بالا که به صورت افراطی در تاریخ تحولات حزبی ایران نمود دارد، آن را موجب اختلال در سامان و ثبات جامعه می‌داند، چرا که احزاب ناقص و نیم‌بند، نه تنها کارکردی ندارند بلکه ابزاری برای سود شخصی به حساب می‌آیند (زیباکلام، ۱۳۷۸: ۱۹۴).

گفتار چهارم: سیاست‌گذاری عمومی و مدل تاج و تاج بخش

سیاست‌گذاری عمومی، مجموعه اقدامات هدف‌مندی است که به وسیله یک بازیگر یا

مجموعه‌ای از بازیگران در مواجهه با یک مشکل یا موضوع خاص دنبال می‌شود (اشتریان، ۱۳۸۵: ۱۲). از سوئی علوم سیاست‌گذاری بخشی از جنبش عقلایی کردن زندگی بشری و عقلایی عمل کردن بشر است که به کمک آن انسان سعی می‌کند به تسلط روزافزونی بر زندگی اجتماعی خویش دست یابد (اشتریان، ۱۳۸۶: ۱۵). دستاوردی که این علم می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های احزاب سیاسی در ایران داشته باشد زدودن غبار ابهام از اندیشه‌های سیاسی گرایش‌ها و جناح‌های فکری جامعه است. مطالعه علمی و تا حد امکان بی‌طرفانه سیاست‌های جاری دولت‌مردان و پیش‌بینی سیاست‌های مدعیان و رقبای آن‌ها از یک‌سو و سوق دادن خود جناح‌ها و گروه‌های سیاسی به سوی بیان واضح، عینی و علمی می‌تواند در زمره وظایف علوم سیاست‌گذاری قرار گیرد. عدم تدوین ایدئولوژی سیاسی و خط مشی اجرایی مدون از سوی جناح‌های سیاسی موجود جامعه راه را برای تقسیم‌بندی آنان تحت عناوین کلی و بی‌اساسی فراهم می‌کند که نه تنها به شناخت جامعه سیاسی ایران کمکی نخواهد کرد، بلکه ابهام و پیچیدگی بیش‌تر امور سیاسی را در پر خواهد داشت (همان، ۲۳).

مدل‌های سیاست‌گذاری عمومی ابزار مفیدی را برای کمک به روشن کردن تفکر ما درباره سیاست‌ها و سیاست‌گذاری عمومی ارائه می‌دهند. این مدل‌ها همچنین در موارد زیر به ما کمک می‌کنند:

- تعیین جنبه‌های مهم مشکلات سیاست‌گذاری؛
 - تمرکز بر صور مهم زندگی سیاسی؛
 - تمایز بین حوادث مهم و بی‌اهمیت در پروسه سیاست‌گذاری عمومی؛
 - پیشنهاد راه‌حل برای سیاست‌گذاری عمومی و پیش‌بینی نتایج.
- بعضی از آموزش‌دهندگان سیاست‌گذاری عمومی تقریباً یک مدل را بر مدل‌های دیگر توضیح می‌دهند، گرچه هیچ‌یک از این مدل‌ها نمی‌توانند به تنهایی مدل کاملی باشند (Cockrel, 1997). با مقایسه ویژگی‌های هر مدل تمرکز، استفاده و محدودیت هر کدام از مدل‌ها بیش‌تر آشکار می‌گردد. ما می‌توانیم از چنین مقایسه‌هایی قبل از طراحی برنامه‌های سیاست‌گذاری عمومی برای کمک به اجرای بهتر مدل‌های ذکر شده استفاده آن‌ها را به اطلاع مشارکت‌کنندگان پروسه سیاست‌گذاری عمومی برسانیم.
- هر یک از این مدل‌ها می‌توانند قدرت تحلیلی افزون‌تری را برای تحلیل سیاست‌گذاری عمومی به ما بدهند. همچنین ارتقاء توانایی فهم و ارتباط بهتر برای وضعیت سیاست‌گذاری

عمومی در اختیار ما قرار می‌دهد (Ibid, 1997).

با توجه به شمای کلی از دانش سیاست‌گذاری عمومی، رفتار حزبی- سیاسی حزب کارگزاران، در صحنه انتخابات دهم ریاست جمهوری براساس یکی از مدل‌های سیاست‌گذاری عمومی به‌عنوان «تاج و تاج‌بخش»^۱ قابل تشخیص و بررسی مدلیک علمی است (جدول ۱)، فرهنگ انگلیسی کالینز^۲، تاج‌بخش را شخصی می‌داند که در انتخاب حاکم و نماینده‌ها برای رهبری در امور عمومی و تجاری و مواردی شبیه آن‌ها تأثیرگذار و از سویی در انتصاب و گمارش مقامات نفوذ دارد.

(<http://Dictionary.reference.com/browse/kingmaker>)

فرهنگ آمریکایی نیز تاج‌بخش را شخص دارای قدرت سیاسی با تأثیرگذاری بر انتخاب کاندیداها برای مناصب عمومی رده بالا می‌داند.

(<http://www.thefreedictionary.com/kingmaker>)

مطابق این مدل، دستور کار سیاست‌گذاری مجموعه‌ای است که توسط تاج‌بخش‌ها تعیین و به‌وسیله روسای دولت و فعالین (الیگارش‌ها) به جلو برده می‌شود. این مدل سیاست‌گذاری، ترسیم‌کننده قدرت و سیاست است. این مدل همچنین وظیفه سازمان‌دهی در جامعه و دولت را در راس هرم بر عهده دارد (Flinchbaugh, 1988). در این مدل تاج‌بخش‌ها^۳، سطح فوقانی سلسله مراتبی سیاست‌گذاری را اشغال می‌کنند. آن‌ها منابع مادی را با استفاده از رانتهای اقتصادی و انحصار ثروت برای تأثیرگذاری و تعیین سیاست بر عهده دارند (Ogden, 1971) و قدرت آن‌ها اغلب برای مردم نامشخص است. موفقیت آن‌ها در پشت صحنه این است که چه کسی انتخاب، چه مسائلی در دستور کار وارد و چه موقع از دستور کار خارج می‌شود. در هر جامعه تعداد اندکی و انگشت‌شمار وجود دارند که دارای هر دو منابع مالی و معنوی باشند که این افراد در پشت صحنه عمل می‌کنند. هارولد لاسول که از بنیان‌گذاران سیاست‌گذاری عمومی است گرچه از واژه تاج‌بخش استفاده نمی‌نماید ولی معتقد است که در جوامع امروزی تصمیمات توسط گروه اندکی (نخبگان) اتخاذ می‌شود (Lasswell & Lerner, 1952). شاهان^۴ در هرم سلسله مراتبی در مرحله بعد قرار دارند. شاهان دارای قدرت و منافع‌ی جهت‌دار در سیاست عمومی هستند.

1- Kings & Kings maker

2- Collins

3- Kings maker

4- Kings

شاهان توسط حمایت تاج‌بخش‌ها انتخاب و منصوب و با مشاوره نزدیک به آن‌ها کارها را انجام می‌دهند. فعالین^۱ که در زیر شاهان در سلسله مراتب سیاست‌گذاری قرار دارند. این گروه‌ها شامل اعضای فعال و رهبران در اماکن خدماتی، گروه‌های ذی‌نفع و سازمان‌های ملی شبیه اتحادیه زنان و دفاتر کشاورزی می‌باشد.

در زیر فعالین، شهروندان ذی‌نفع^۲ قرار دارند که بر خلاف فعالین، شهروندان ذی‌نفع نه به صورت تلویحی و نه مشارکت فعالانه در پروسه سیاست‌گذاری حضور ندارند. شهروندان بی‌علاقه^۳ بزرگ‌ترین گروه را تشکیل می‌دهند که در پائین‌ترین سطح و قاعده هرم سلسله مراتب قرار دارند (Ibid, 1952). با توجه به تئوری فوق تصویری الیگارشیک در عرصه سیاست‌گذاری حزبی کارگزاران به ذهن متبادر می‌گردد. مطابق تصویر الیگارشیک، جمعی نخبه که در هرم قدرت نماینده صاحبان سرمایه اقتصادی، فرهنگی و نمادین هستند و حافظ منافع آن‌ها، به تصمیم‌های عمومی جهت می‌دهند و آن‌ها که از این دایره دورند البته به ناچار طریق انفعال را بر می‌گزینند (وحید، ۱۳۸۵: ۶۳). از سوئی با همین تصویر الیگارشیک است که رئیس دانا معتقد است که اینان بیش‌ترین نیروی کار سیاسی را برای اعمال سیاست‌های تسلط بر پروژه‌ها، مقاطعه‌های دولتی و ورود به بانک‌های خصوصی را دارند (رئیس دانا، ۱۳۸۳: ۲۲). بعد از این بعضی از گزینه‌های کارگزاران مانند محمدعلی نجفی از مقامات ارشد کارگزاران با داعیه کاندیدا شدن در انتخابات عملاً خود را بدون ظرفیت‌های لازم دیده و عطای انتخابات را به لقایش بخشید، مقامات ارشد کارگزاران در مقام تاج‌بخش و قدرت‌ساز ظاهر شدند بدون آن‌که متوجه شوند «احزاب، سیاست‌ها را قالب‌بندی می‌کنند تا در انتخابات پیروز شوند، نه این‌که در انتخابات پیروز شوند تا سیاست‌ها را قالب‌بندی کنند» (Downs, 1957: 28) در این خصوص می‌توان یک تحلیل صحیح از فرایند سیاست‌گذاری حزبی را به‌کارگیری روش‌هایی دانست که به کمک آن‌ها، مسائل، شناسایی و تعریف می‌گردند، راه‌های جایگزین، سنجیده می‌شوند، گزینه‌های مطلوب، انتخاب می‌گردند و اجرای آن سیاست‌گذاری مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار می‌گیرد. مجموعه این فرایند را «بایرو» و «دریزک» با عنوان «دخالت دانایی محور در سیاست‌گذاری» مورد توجه قرار می‌دهند.

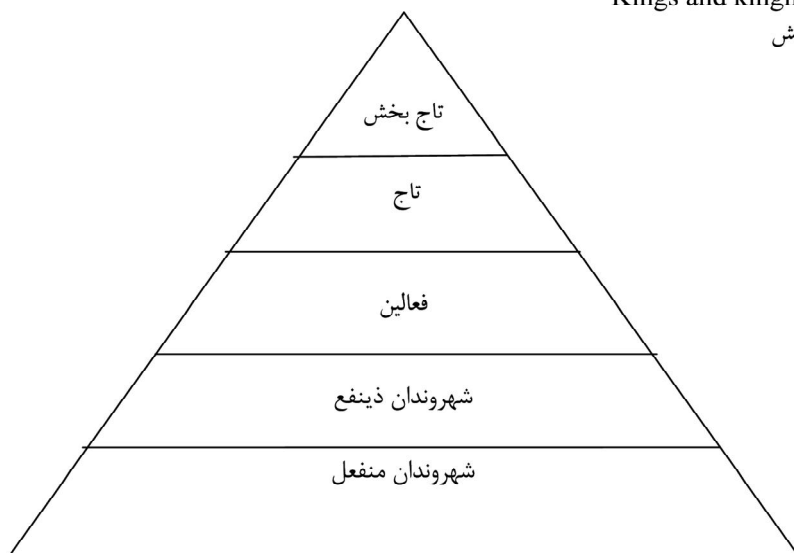
-
- 1- Actives
 - 2- Interested citizens
 - 3- Apathetic citizens

(Bobrow & Dryzek, 1987: 16) رعایت نکردن موارد فوق و چشم‌پوشی از اصول حزبی و فعالیت در دو ستاد نشان‌دهنده رعایت نکردن قاعده بازی حزبی، رد منافع عالیه ملی و جایگزینی آن با منافع شخصی و حزبی است. یک فراز استراتژیک و حزبی می‌گوید:

«منافع ملی بالاتر از منافع حزبی است»، اما این فراز هیچ‌گاه نصب‌العین سران کارگزاران قرار نگرفت. کارگزاران بدون این‌که محیط سیاسی را درک کنند دست به انتخاب و قدرت‌سازی زدند. از سویی خسارت‌های وارده بر شخصیت موجب جستجو برای یافتن راه جبران از طریق تمایل به کسب قدرت سیاسی شود (لاسول، ۱۹۴۸: ۵۸-۳۷) در نتیجه خسارت‌های مالی وارده بر شخصیت‌های کارگزاران به دلیل دور بودن از قدرت در بازه زمانی بعد از دولت اصلاحات، موجب جستجو برای یافتن راه جبران از طریق تمایل به کسب قدرت سیاسی (ملک‌محمدی، ۱۳۸۵: ۱۴۸) و از راه ائتلاف با مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود. بنابراین می‌توان مقامات ارشد کارگزاران را افرادی دانست که به نوعی درگیر یک جریان بغض‌آلود و تلافی‌جویانه برای اعاده منافع خود هستند، به‌طوری‌که آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های انتخاباتی خود جای انگیزه‌های حزب متبوع و شخصی خود را با اهداف عالیه عمومی عوض کردند، به‌عبارتی دیگر یک حزب نیرومند حزبی است که یک مصلحت‌همگانی و نهادمند را را جانشین مصالح پراکنده خصوصی گرداند (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۱۳۷ و ۵۷۵). آقای منتجب‌نیا در مقام ارزیابی تأثیرات منفی رقابت‌های سیاسی می‌گوید: طبیعی است وقتی جناح‌های سیاسی هدفشان تقویت جناح خودشان باشد و با همین توجیه تخریب جناح مقابل را دستور کار قرار دهند، آن وقت منافع ملی نادیده و جای خودش را به منافع جناحی و بانندی خواهد داد (حبیبی، ۱۳۸۰: ۶۸) از سویی باید خاطرنشان ساخت که کارگزاران قدرت خاکستری خود را که در ادبیات سیاسی، کنش اجتماعی پیران محسوب می‌شود (پارسونز، ۱۳۸۵: ۳۲۲) را از دست داده‌اند و در مقام قدرت‌سازی نمی‌توانند قرار گیرند.

Kings and kingmakers model

مدل تاج و تاجبخش



نتیجه‌گیری

مدل‌های سیاست‌گذاری عمومی ابزار مفیدی را برای کمک به روشن کردن تفکر ما درباره سیاست‌ها و سیاست‌گذاری عمومی ارائه می‌دهند. در این راستا و با توجه به فقر سیاست‌گذاری حزبی و نهادینه نشدن این نهاد تأثیرگذار بر روند حیات سیاسی کشور، مقاله یاد شده نه تنها با تحلیل و آسیب‌شناسی، عدم فرایند سیاست‌گذاری حزبی را تبیین بلکه راه‌حل را نیز به‌جای تحلیل صرف می‌نشانند. با توجه به اهمیت حزب کارگزاران سازندگی که بعد از انتخابات پنجم مجلس شورای اسلامی به بعد تأثیرگذارترین حزب کشور در ابعاد مختلف می‌باشد، آسیب‌شناسی حزبی این جریان به‌عنوان یک مطالعه موردی حزبی و سرگردانی حزبی‌اش، می‌تواند الگوی مناسبی را که همراه با یکی از مدل‌های سیاست‌گذاری عمومی همراه شد در اختیار احزاب کشور قرار دهد. حزبی که دوم خرداد از دل آن بیرون آمد؛ سوم خرداد واکنشی به آن بود و مجدداً ۲۲ خرداد واکنشی تندتر به آن، بدون شک دارای فقر در استراتژی و سیاست‌گذاری حزبی به‌عنوان اساس یک حزب سامان‌مند بوده است که کارگزاران سازندگی با عدم توجه به مؤلفه‌های یاد شده نه تنها حزب خود را تقلیل داده، بلکه جبهه اصلاحات را نیز به‌عنوان یک اپوزیسیون تأثیرگذار، دچار سرگردانی گرداندند. در این حالت جریان مقابل (اگر نه حزب و جریان کلاسیک و متقارن اما به مثابه یک حزب و جریان پست مدرن و نامتقارن)

به جای حرکات پاندولی و این که خود را اسیر برنامه‌های کلی بی‌محتوا کند، برنامه‌های خود را براساس رای‌دهندگانش چید و در واقع جامه برنامه خود را با توجه به تن رای‌دهندگانش دوخت. به طوری که، رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد بارها وابستگی خود و دولتش را به احزاب و جناح‌ها انکار نموده است. به گفته او «دولت نه‌م جز به خدا و مردم، به هیچ حزب و جناحی بدهکار نیست و آن چه در این مسیر برای این دولت اهمیت دارد همانا رضایت خدا و مردم خواهد بود» (خبر، ۱۳۸۶/۵/۲۹). تاریخ‌ت‌حزب ایران در سده گذشته بیانگر بیماری مزمن و ناکارآمدی احزاب در قبل و بعد از انقلاب اسلامی بوده است و متأسفانه احزاب در این دوره نتوانستند قابلیت و توانایی‌های خود و کارویژه‌های مطلوب «حزب» را نشان دهند، اهداف تأسیس این پدیده سیاسی را متحقق سازند و خود به‌عنوان مولود حرکت‌های سیاسی، به جریان‌های سیاسی کارآمد، پویا و بادوام منجر گردند. ضروری است علل این ناکارآمدی شناسایی و درمان آن آغاز شود و از سوی دیگر مردم و دولت‌مردان صبر و تحمل لازم را برای طی دوران نقاهت احزاب داشته باشند و احزاب و نخبگان نیز با آسیب‌شناسی لازم و ایجاد زمینه‌های «خودانتقادی» به تسریع گذران این دوران کمک نمایند.

البته تمامی علل ناکارآمدی احزاب ایرانی داخلی نیست، بلکه حزب و تحزب، در همه نظام‌ها و عرصه‌های سیاسی خارجی و به‌ویژه در جهان سوم، بسیار آسیب‌پذیر است و بعضی از مشکلات اساسی آن‌ها، مانند طبع الیگارشیک، سازمان‌محوری، امکان دولت ساخته شدن و... ریشه جهانی دارد. متأسفانه احزاب در جهان سوم، به‌دلیل ضعف جامعه مدنی و مشکلات اقتصادی و فرهنگی، با ناکارآمدی‌های فراوان مواجه‌اند؛ بنابراین باید گفت که پدیده حزب و تحزب، برای حفظ کارآمدی و انجام دادن بهینه کارویژه‌های خود، دائماً به مراقبت و بهینه‌سازی نیاز دارد و باید اندیشمندان و نخبگان حزبی و غیرحزبی و اعضا این کار را به‌طور دائم انجام دهند.

فقط در این صورت است که با تمهید سایر ملزومات، احزاب و در نتیجه جریان‌های سیاسی سالم و کارآمد توان ظهور، شکوفایی و فعالیت در عرصه کشور را خواهند یافت.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

اخوان‌کاظمی، بهرام (۱۳۸۷). «کالبدشناسی تحزب در ایران»، ماهنامه زمانه، شماره ۷۸، اسفند.

- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶). **سیاست‌گذاری عمومی در ایران**. تهران: نشر میزان.
- اندرسون، جیمز (۱۳۸۵). «مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری عمومی در ایران»، ترجمه کیومرث اشتریان، فرهنگ اندیشه، سال پنجم، شماره ۱۸، بهمن.
- ایران سیاسی، ۳۰ / ۲ / ۱۳۸۱، شماره ۲۱۲۹.
- ایران سیاسی، ۶ / ۳ / ۱۳۸۱، شماره ۲۱۳۶.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۱). بی‌تفاوتی اجتماعی، «ماهنامه ایران فردا»، سال دوم، شماره ۱۱.
- _____ (۱۳۸۰). **تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم**، چاپ سوم. تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۸۵). **دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران**، چاپ چهارم. تهران: مؤسسه نگاه معاصر.
- بیانات محمود احمدی‌نژاد در ابتدای جلسه هیئت دولت (۱۳۸۶). **خبر**، ش ۷۵۸۳.
- پارسونز، واین (۱۳۸۵). **مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها**، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حبیبی، نجف‌قلی (۱۳۸۰). **مصاحبه با کوشندگان سیاسی**. تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- حجاریان، سعید (۱۳۸۵). **نشریه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی‌نامه**، شماره ۵۱.
- دارابی، علی (۱۳۸۸). **جریان‌شناسی سیاسی در ایران**، چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- دوتوکویل، الکسی (۱۳۸۳). **تحلیل دموکراسی در آمریکا**، ترجمه رحمت‌اله مقدم‌مراغه‌ای. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۸۳). **ماهنامه‌نامه**، شماره ۲۵.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷). **توسعه و تضاد**، چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۸). **استبداد مانع تاریخی حزب در ایران**، در کتاب **حزب و توسعه سیاسی در ایران** (مجموعه مقالات)، جلد دوم، چاپ اول. تهران: انتشارات همشهری.
- سیاحتی، افشین (۱۳۷۴). «بودجه ۱۳۷۵؛ دورنمای اقتصاد ایران»، **فرهنگ توسعه**، سال چهارم، شماره ۲۱، بهمن.
- صفایی‌دلویی، محمد (۱۳۸۰). **جبهه مشارکت ایران اسلامی**. تهران: نسل کوثر.
- ظریفی‌نیا، حمیدرضا (۱۳۷۸). **کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران**، چاپ سوم. تهران: آزادی اندیشه.
- عصر ما (۱۳۷۳). «بررسی طیف راست‌مدرن»، **عصر ما ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی**، سال اول، شماره ۹، ۱۹ بهمن‌ماه.

- علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۶۹). *فرهنگ علوم سیاسی*، چاپ دوم. تهران: ویس.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، چاپ چهارم. تهران: انتشارات سمت.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۱). *توسعه سیاسی و تحول اداری*. تهران: نشر قومس.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۳). *اقتصاد سیاسی ایران؛ از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- مجید، وحید (۱۳۸۵). «دموکراسی در آینه سیاست گذاری عمومی»، *فرهنگ اندیشه*، سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان.
- محمدی‌نژاد، حسن (۱۳۵۵). *احزاب سیاسی*. تهران: امیرکبیر.
- ملک‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۵). «مدخلی بر شناخت شناسی تحلیل سیاست‌ها و تحلیل گران سیاست‌ها در سیاست‌گذاران»، *فرهنگ اندیشه*، سال پنجم، شماره ۱۸، بهمن.
- مصلی‌نژاد، غلام‌عباس (۱۳۸۴). *دولت و توسعه اقتصادی در ایران*. تهران: نشر قومس.
- موثقی، احمد (۱۳۸۵). *نوسازی و اصلاحات در ایران*. تهران: نشر قومس.
- نش، کیت و اسکات، آلن (۱۳۸۸). *راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه محمدعلی قاسمی، قدیر نصری، جلد اول. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵). *سامان سیاسی در جوامع دست‌خوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم. تهران: نشر علم.

ب) منابع انگلیسی

- Bobrow, D.B. & Dryzek, J.S. (1987). *Policy Analysis*, University of Pittsburg Press
- Collins English Dictionary**-Complete & Unabridged 10th Edition, 2009.
- Downs, A. (1957). *An Economic Theory of Democracy*. NewYork: Haper and Row.
- Flinchbaugh, B.L. (1988). **How to Do Policy Education**, In: Working with Our Publics, Module 6: Education for public policy.
- Jerri, Cockrel (1997). **Extension public policy, Cooperative Extension Service**, University of Kentucky, College of Agriculture.
- Lapalambara, Josp & Myron, Weiner (1965). **Political Parties**, Political Development.,Princeton University Press.
- Lasswell, H. & Lerner, D. (1952). **The Comparative Study of Elites Stanford**, Calif: Stanford University Press.

Ogden, Daniel M.Jr. (1971). **How National Policy is Made**. Oak Brook, Illinois. Farm Foundation.

Verba, Sidney, Nie, N.H. & Kim, S.Q. (1987). **Participation & Political Equality**, A Seven Nation Comparison. Cambridge, Network, Cambridge University Press.

Archive of SID